

تاریخ: ۵۸/۳/۱۰

بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت قائمیه تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

در قیام الله شکست راه ندارد.

امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیه باشیم و همه به آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب سلام الله علیه برای ما تعیین فرموده اند عمل کنیم و صورتها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی. شاید این وصفی که برای حضرت صاحب سلام الله علیه ذکر شده است دنبال همین آیه شریفه که می فرماید که: «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی» دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم قیام واحد که بالاترین قیام همان قیام آن شخص واحد است و همه قیامها باید دنبال آن قیام باشد و قیام الله باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید که: من فقط یک موعظه دارم به شما «قل انما اعظکم بواحدہ» به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که قیام کنید و قیام الله باشد، قیام الله کنید. البته آن حضرت قیام الله می فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست برای دیگران نیست لکن شیعه‌های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند لله، برای خدا. که اگر قیام برای خدا باشد، اگر عمل برای خدا باشد، اگر نهضت برای خدا باشد، شکست ندارد برای اینکه آن چیزی که برای خدا هست اگر در صورت هم خیال بشود که شکست خورد به حسب واقع شکست نخورده است. حضرت امیر سلام الله علیه با معاویه جنگ کردند و شکست خوردند لکن شکست نبود. این شکست صوری شکست حقیقی نبود چون قیام الله بود قیام الله شکست ندارد. تا امروز هم او غالب است، تا ابد هم او غالب است.

سیدالشهدا سلام الله علیه با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند. چون قیام الله بود اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت، ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را شکستند، اساس سلطنتی که می خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی درآورد. خطری که معاویه و یزید بر اسلام داشتند این نبود که غضب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه ما خلیفه رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می خواستند بزنند یا زدند جلوتری‌ها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می خواستند بکنند. سلطنت بود.

شرب خمر بود، قمار بود در مجالستان. خلیفه رسول الله و در مجلس شرب و خمر؟! و در مجلس قمار؟! و باز خلیفه رسول الله نماز هم می‌رود در جماعت می‌خواند. این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود، این خطر را سیدالشهدا رفع کرد. قضیه، قضیه غصب خلافت نبود، قیام سیدالشهدا سلام الله علیه قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود؛ آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می‌خواست به آن رنگ در آورد که اگر توفیق پیدا می‌کردند، اسلام یک چیز دیگر می‌شده، اسلام می‌شد مثل رژیم دوهزاروپانصد ساله سلطنت اسلامی که آمده بود و می‌خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیم‌ها را به هم بزند و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می‌خواست طاغوت را بشکند و الله را جای آن بنشانند، اینها می‌خواستند که الله را بزدارند، طاغوت را جایش بنشانند، همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق شکست نبود. کشته شدن سیدالشهدا سلام الله علیه چون قیام الله بود قیام الله شکست ندارد.

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید فقط یک موعظه - همه موعظه‌ها را یک موعظه - من دارم. پیغمبر اکرم واسطه، خدا واعظ، ملت متعظ، من فقط یک موعظه، بیشتر از یک موعظه ندارم، «انما اعظکم بواحد» ان تقوموا لله، اینکه برای خدا قیام کنید وقتی که دیدید که دین خدا در معرض خطر است برای خدا قیام کنید. امیرالمومنین می‌دید که دین خدا در خطر است معاویه دارد و ارونه می‌کند دین خدا را، برای خدا قیام کرد. سیدالشهدا هم همین طور برای خدا قیام کرد. این یک مطلبی است که برای یک وقت نیست، موعظه خدا همیشگی است هر وقت دیدید که بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی اسلامی الهی خواستند که قیام کنند، خواستند و ارونه کنند مسائل اسلام را، به اسم اسلام، اسلام را بکوبند، اینجا الله باید قیام کرد و نرسید از اینکه شاید نتوانیم، شاید شکست بخوریم، شکست تویش نیست.

آنچه برای ما مهم است عمل به تکلیف شرعی است

من در پاریس که بودم بعضی خیراندیش‌ها می‌گفتند که نمی‌شود دیگر، وقتی که نمی‌شود، باید چه کرد، باید یک قدری، گفتم ما تکلیف شرعی داریم عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم، برای اینکه آن را ما نمی‌دانیم قدرتش را هم الان نداریم اما تکلیف داریم، ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم هم تکلیف شرعی عمل کرده‌ایم، هم رسیده‌ایم به مقصد؛ اگر پیش نبردیم به تکلیف شرعی مان عمل کرده‌ایم، نتوانستیم، حضرت امیر هم نتوانست، تکلیف را عمل کرد ولی در مقابلش ایستادند، اصحاب خودش ایستادند در مقابلش، نتوانست. این چیزی نیست، خوب ما به اندازه قدرتمان ما می‌توانیم کار بکنیم، وقتی که ما دیدیم که یا شما دیدید که یک رژیم اسلامی را دارد و ارونه می‌کند، به اسم عدالت اسلامی دارد ظلم را ترویج می‌کند می‌خواهد اسلام را اینجوری معرفی کند؛ یک وقت می‌ایستد و می‌گوید من کاری به اسلام ندارم، این سبکتر است تکلیف برای انسان. یک وقت یک کسی قرآن طبع می‌کند و زیارت حضرت

را ما می خواهیم جاری کنیم، ما می خواهیم اسلام را» و فریاد می زند که ما اسلام را می خواهیم درست کنیم، وارونه درست می کنند، اینجاست که تکلیف مشکل است. اینجاست که اسلام در خطر است که انعکاسش در خارج و گاهی در داخل هم. اگر اینها موفق می شدند در داخل هم گاهی انعکاس این بود که خوب همین است دیگر، این رژیم اسلامی همین است. ما قیامان، شما قیامتان برای خدا باید باشد. وقتی دین خدا را انسان در خطر دید برای خدا باید قیام کند. وقتی احکام اسلام را در خطر دید برای خدا باید قیام کند. توانست، عمل کرده به وظیفه و پیش هم برده، نتوانست، عمل به وظیفه کرده. گاهی وقتها تقیه حرام است. آنوقت که انسان دید که دین خدا در خطر است نمی تواند تقیه بکند. آنوقت باید هر چه بشود برود. تقیه در فروع است در اصول نیست، تقیه برای حفظ دین است. جایی که دین در خطر بود جای تقیه نیست، جای سکوت نیست.

جمهوری اسلامی همه اش باید اسلامی و بامحتوا باشد

حالا ما بینیم وظیفه مان چیست. تا حالا انجام دادید وظایف اسلامی تان را خداوند به همه شما اجر عنایت کند. تا حالا همه با هم دست به هم دادید، جناح روحانی، جناح دانشگاهی، جناح بازاری، جناح اداری، جناح ارتشی (یک قشرشان البته) همه دست به هم دادند و این دیوار بلندی که واقع شده بود بین ملت و آن چیزی که باید به آن برسد - و اسلام - آن را شکستید. خداوند به شما اجر عنایت کند. اما حالا تمام شده دیگر قضیه؟! ما حالا دیگر آسوده هستیم و هر کدام باید برویم سراغ کارهایمان؟ یا خیر آسوده نیستیم باز هم؟ باز هم بین راه هستیم. الان ما باز محتوای اسلام را، واقعیت اسلام را در ایران پیاده نکردیم. همه ما رأی دادیم به جمهوری اسلامی، صحیح، با رأی تنها اسلام نمی آید. به حسب رسمیت، رسمیت مملکت ایران الان جمهوری اسلامی است به حسب رأی همه مردم، اما محتوای اسلام باید در این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند. فقط ما بگوئیم جمهوری اسلامی و همه جهاتش غیر اسلامی باشد این اسلام نمی شود که. آن هم سابق می گفت اسلام، معاویه هم داد می کرد اسلام، نماز جماعت هم می رفت می خواند، امام جماعت هم بود. خلفاء بنی العباس هم بعضی شان از فضلا و علما بودند و بعضی شان یا همه شان هم نماز جماعت می خواندند و آداب صوری را عمل می کردند لکن محتوای اسلام را اینها، محتوای قرآن را اینها می خواستند تهی کنند. اینها با اعمالشان می خواستند که یک اسلام منهای محتوا (مثل حالا اسلام منهای روحانیت، اسلام منهای محتواست. محتوای اسلام را اینها دارند درست می کنند) باشد. اینها می خواستند که یک اسلامی، «اسلام را قبول داریم، بسله اسلام»، اما الفاظ فقط، دیگر از حد لفظ نرود به محتوا.

محمدرضا خان هم اسلام را می گفت قبول داریم، هیچ هم مضایقه نداشت از اینکه شما بروید در مساجد نمازتان را بخوانید ولو اینکه این مضایقه این هم داشت از ترس یک چیز دیگر. انگلیس ها که آمده بودند عراق را گرفته بودند شنیدیم که آن سردارشان دیده بود که یک کسی دارد بالای مأذنه یک چیزی می گوید، اذان می گفتند. گفته بود این چیست؟ گفته بودند اذان می گوید. گفته بود که به

امپراطوری انگلستان هم ضرر دارد این؟ گفته بودند نه. گفت بگویند، هر چه می خواهید بگویند. نماز و روزه ما به امپراطوری انگلستان ضرری نداشت، هیچ هم کاری نداشتند به تو؛ هر چه می خواهید نماز بخوانید، هر چه می خواهید روزه بگیرید، آنی که به امپراطوری همه ضرر داشت آن اسلام و محتوای واقعی اسلام بود که مع الاسف بسیاری منسی واقع شده است. سیاست اسلام همچو منسی شده است که اصلاً سیاست یک ننگی بود در اینجا، می گفتند فلان آخوند سیاسی است و ساسة العباد که در زیارت جامعه می خوانیم، اگر به یک مقدس مآبی هم می گفتند، تعبیرش لابد می کرد اگر جرأت نمی کرد بگوید که آن هم سیاسی است. این یک چیز ننگ آوری بود که یک کسی در حکومت دخالت بکند که این حکومت باید صحیح باشد جریان صحیح باید باشد. این از تبلیغات همان شیاطین بود که می خواستند قشر اسلام را صورتش را نگه دارند و ماها مشغول به همین صورتها باشیم و محتوا نباشد در کار کار- هایشان را انجام بدهند. محتوای اسلام که مهمش اسلام قیام الله، نهضت الله، جلوگیری از ظلم ظالمین، از ستم ستمکاران، اجرای عدالت اسلامی، اینها منسی باشد، برویم هر چه دلمان می خواهد مسأله بگوئیم، هر چه می خواهیم نماز بخوانیم. مسأله گفته نشود که باید جلوگیری از طاغوت کرد. این را نگوئید مسأله، هر چه دیگر می خواهید بگوئید اما این نباید گفته بشود. سینه بزیند لکن هیچ صحبت از سیاست نکند همان سینه بزیند بی محتوا. باید سینه زدن هم محتوا داشته باشد امسال باید چراغان بکنید با محتوا، نه صرف چراغان، صرف چراغان خوب است اما آن فایده ای که برای اسلام باید داشته باشد خصوصاً چراغان برای کسی که قیام می کند، چراغان برای قیام الله، یک پرتوی باشد این چراغان از قیام الله، از جلوگیری از مفاسد، از ریشه کندن این ریشه های فاسدی که الان بین مردم منتشر هستند باز، این ریشه هایی که می خواهند نگذارند این نهضت پیش برود با هر صورت، چراغان در کمال خوبی، در کمال عظمت با محتوا. باید امسال فرق کند با همه سالها، شما امسال باید جبران کنید آن جهات سابق را. یک وقت به وقوف است، یک وقت به حمله. آن جهاد بود که آن روز کردید این هم جهاد است که امروز می کنید اما متوجه باشید که «ان تقوموا الله، انما اعظکم بواحدة ان تقوموا الله» اینکه نهضت، قیام برای خدا باشد، هر کاری می کنید برای خدا باشد نمایش نباشد برای خدا باشد، بر نمایش (اما نه برای نمایش، برای خدا) محتوایش را حفظ کنید. گویندگانی بیایند در مجالس شما که مسائل را درست بگویند برایتان. ما الان به آخر نرسیدیم، ما تا حالا جز یک الفاظی بیشتر نبوده، البته کارهایی کرده اند اما آنی که ما می خواهیم تا حالا نشده است آنها، یک رای دادیم به جمهوری اسلامی و آن رژیم رفت و یک رژیم دیگری است لکن باید همه چیز اسلامی بشود. آن روزی ما به آخر مقصد رسیدیم که همه چیزمان اسلامی باشد، بازاری یک بازار اسلامی باشد. بازاری که یک متاعی را یک تومان می خورد و سی تومان به این فقرا و ضعفا می دهد این بازار اسلامی نیست. بازاری که قاچاق وارد می کند و به قیمت های گزاف می دهد و اقتصاد اسلام را می خواهد به هم بزند این اسلامی نیست، این بازار اسلامی نیست. اینها باید اسلامی بشود، خودشان اسلامی کنند. بازاری که به فکر ضعفا و فقرا

قصرهای روی هم روی هم درست کنند و آنجا زاغه نشین‌ها بیاشند (شما همه زاغه نشین را دیدید چطورند لابد شماها دیدید من هم صورتش را دیدم) یک مملکتی که زاغه نشین‌ها آنطور باشند و مردم به فکر اینها نباشند این مملکت، مملکت اسلامی نیست صورت است محتوا ندارد این. حضرت امیر می‌فرماید (به حسب نقل) که شاید در سرحدات یک کسی گرسنه باشد، به خودش رنج می‌دهد که مبادا یک کسی از او گرسنه‌تر باشد. آن امیر ماست، او آقای ماست، امام ماست. ما، هی بگوئیم امام و اقتدا نکنیم به او، در کارها هیچ اقتدا نباشد. امام معنایش این است، شیعه معنایش این است که مشایعت کند همانطوری که تابوت را که می‌برند اگر همه از این طرف دنبال تابوت رفتند تشییع کردند، اگر تابوت را از این طرف می‌برند یکی از این طرف برود این را تشییع نکردند. شیعه باید اینطوری باشد مشایعت کند علی را. البته قدرت نداریم ما مثل او، هیچ کس قدرت ندارد. اما به زهد، به تقوا، به رسیدگی به مظلوم‌ها، به رسیدگی به فقرا مشایعت کنیم از او نمی‌توانیم مثل او زندگی بکنیم، نمی‌توانیم که مشی او را داشته باشیم، قادر بر این نیستیم. او یک موجودی بوده، معجزه‌ای، جمع ما بین تضاد، جمع بین همه ضدها را کرده بود. یک آدم در قدرت آنطور که به حسب نقل از این طرف می‌زد و تا می‌کرد، در جنگ می‌زد می‌کشت تمام کسانی که بر ضد اسلام بودند. از آن طرف یک آدم زاهد، یک آدم عابد تا صبح بنشیند نماز بخواند. آدم زاهد و عابد اهل جنگ نیست، آدم جنگجو هم بیشترش اهل زهد و تقوا. و امثال ذلک نیست، جمع می‌کرده او بین همه ماها نمی‌توانیم اما می‌توانیم که اقتدا کنیم به او تا حدودی، می‌توانیم رسیدگی کنیم به فقرای مملکتان، به ضعفا، یمان.

حفظ انقلاب درونی و تحول روحی، بالاترین پیروزی‌هاست

یک تحولی در ایران پیدا شد تحول روحی که این تحول روحی از این غلبه‌ای که کردید بر طاغوت و او را عقب زدید و همه دنیا به قول شما متحیر بود، این تحول از آن بالاتر بود. تحول روحی که در ملت پیدا شد، ملتی که از یک پاسبان می‌ترسید ریخت در خیابان‌ها بچه و بزرگش گفت ما شاه را نمی‌خواهیم، از یک پاسبان می‌ترسید دیروز، امروز اینطور شد. این تحول، تحول روحی بود که خداداد. ملتی که چک و چک می‌کرد در معاملاتش برای زیاد شدن و کم شدن، در یک برهه از زمان همچو انسانی رفتار می‌کرد با اهل ملت خودش و همچو تحول برایش حاصل شده بود که یکی از آقایان می‌گفت که دیدم یک زنی یک چیزی در آن تظاهرات، آنوقت که تظاهر می‌کردند یک زنی یک کاسه‌ای دستش است پول در آن است گفتم لابد مثلاً فقیر است تا رسیدم به او دیدم می‌گوید که امروز تعطیل است و اینهایی که دارند می‌روند ممکن است بعضی‌شان بخواهند تلفن کنند پول هم که حالا نمی‌توانند پیدا کنند من اینها را گذاشته‌ام برای تلفن. این یک امر کوچکی است ولی خیلی بزرگ است، یک تحولی است که عظمتش خیلی زیاد است. در یک برهه از زمان آنوقتی که انقلاب بود و فشار بود وقتی که - آنطور که من می‌شنیدم - وقتی که این آقایان که در خیابان می‌آمدند عبور می‌کردند از اطراف، از خانه‌ها چیز به آنها می‌دادند، آب می‌آوردند گلاب می‌زدند، چه می‌دادند، ساندویچ می‌دادند. یک حسن انسانی

تعاون پیدا شده بود در آن حال انقلاب. این انقلاب روحی از آن انقلابی که در خارج واقع شد عظمتش زیادتر است. اگر این انقلاب را ما حفظ بکنیم و آقایان حفظ بکنند، بدانند که از همه پیروزی‌ها بالاتر است، این انقلاب روحی را حفظش بکنید، حالا که رسیدیم ما به مثلاً یک قسم از پیروزی و آن رفع موانع است، حالا مدتی اعتصاب شده است و مثلاً کم دخلی شده است، حالا اینطور نباشد که تلافی بخواهید در آورید. تلافی آن اعتصاب‌هایی که کردید حالا بخواهید به جان مردم بیفتید و تلافی کنید. اگر اینطور باشد، آن روحیه اسلامی - الهی از دست رفته است و اگر آن روحیه از دست رفت پیروزی هم از دست ما می‌رود. این را باید حفظش کنید، این تحول روحی را باید حفظش کنید. نگویند که حالا گذشت و دیگر چطور هر که برود سراغ کار خودش و هر که سر کسب خودش و آنطوری که هر روز تقریباً (حالا با کم و زیادش) به ما، می‌آیند شکایت می‌کنند که گرانفروشی چقدر شده، گرانفروشی چه شده، قاچاق‌گری چقدر شده، هروئین فروشی چقدر شده، تریاک فروشی چقدر شده. اگر برگردد آن تحول روحی که یک برهه از زمان بود و شما را به پیش برد اگر خدای نخواسته آن برگردد خوف این است که جهات دیگر هم برگردد، عنایت خدا برگردد. عنایت خدا به این ملت، عنایت خدا به این ملت این پیروزی را به ماداد، هیچ کس نکرد خدا کرد. هیچ کس نیست، آن که هست خداست عنایت کرد به ما، این حس تعاون که در مردم پیدا شد رحمت خدا به اینها توجه پیدا کرد. خدای تبارک و تعالی عنایت دارد به بندگان خودش، به ضعفا عنایت دارد. این حس تعاون که پیدا شد رحمت خدا دنبالش بود، این رحمت خدا و عنایت خدا شما را به پیروزی رساند کوشش کنید این را نگهش دارید. اگر نگه داشتید پیروزی شما تا آخر است، تا آخر آخر و اگر خدای نخواسته از دست ما برود نمی‌دانم چه می‌شود. من امیدوارم که امسال با شکوه هر چه تمامتر و با محتوای هر چه تمامتر این جشن بزرگ انشاء الله تعالی انجام بگیرد و آقایان همه با سلامت و سعادت و آقا انشاء الله. به سلامت و همه‌مان با هم این نهضت را به پیش ببریم که همه با هم یک جمهوری اسلامی، با محتوای اسلامی در همه جهات خداوند تائیدتان کند انشاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته